

مدل های مدیریت شهری و جایگاه محوری شهرداری ها در نظام مدیریت شهری

زهرا علی زاده کافشانی

کارشناس مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور واحد شهرضا

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مدل های مدیریت شهری و جایگاه محوری شهرداری ها در نظام مدیریت شهری انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد مدل های مدیریت شهری و جایگاه محوری شهرداری ها در نظام مدیریت شهری، به عنوان دو عنصر کلیدی در فرآیند توسعه پایدار شهرها، نقش بسزایی در شکل دهی به کیفیت زندگی شهروندان و ارتقاء خدمات عمومی ایفا می کنند. با توجه به پیچیدگی های روزافزون مسائل شهری، از جمله رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی، و نیازهای متنوع اجتماعی و اقتصادی، انتخاب و پیاده سازی مدل های مناسب مدیریت شهری ضروری به نظر می رسد. مدل های مدیریت شهری، از رویکردهای سنتی و متمرکز تا مدل های نوین و مشارکتی، هر یک می توانند به نوبه خود تأثیرات مثبت یا منفی بر کارایی و اثربخشی مدیریت شهری داشته باشند. در این راستا، شهرداری ها به عنوان نهادهای محوری، باید با بهره گیری از این مدل ها، به بهبود فرآیندهای تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرای سیاست ها بپردازند. جایگاه شهرداری ها به عنوان نمایندگان دولت محلی و رابط بین شهروندان و دولت مرکزی، آن ها را در موقعیتی منحصر به فرد قرار می دهد تا نیازها و خواسته های جامعه را به درستی شناسایی و برآورده کنند. این نهادها باید با تقویت شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی، به ایجاد فضایی مناسب برای زندگی و کار شهروندان کمک کنند. در نهایت، برای دستیابی به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در شهرها، لازم است که شهرداری ها به طور مستمر به ارزیابی و بهبود مدل های مدیریت شهری بپردازند و با همکاری و مشارکت فعال شهروندان، به ایجاد شهری پویا و پایدار کمک کنند. این رویکرد نه تنها به بهبود خدمات شهری منجر می شود، بلکه می تواند به افزایش اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی در فرآیندهای مدیریت شهری نیز کمک کند.

واژه های کلیدی: مدل، مدیریت شهری، شهرداری، مدیریت شهری

مقدمه

مدیریت شهری به عنوان یک فرآیند پیچیده و چندبعدی، نقش کلیدی در شکل‌دهی به کیفیت زندگی شهروندان و توسعه پایدار شهرها ایفا می‌کند. در این راستا، شهرداری‌ها به عنوان نهادهای محوری و مسئول در مدیریت امور شهری، وظیفه دارند تا با بهره‌گیری از مدل‌های مختلف مدیریت شهری، به بهبود خدمات عمومی، ارتقاء زیرساخت‌ها و ایجاد فضایی مناسب برای زندگی و کار شهروندان بپردازند. مدل‌های مدیریت شهری شامل رویکردهای متنوعی هستند که هر یک به نوبه خود می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها در سطح شهری داشته باشند. این مدل‌ها می‌توانند از رویکردهای سنتی و متمرکز تا مدل‌های نوین و مشارکتی متغیر باشند که هدف آن‌ها افزایش کارایی، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری است. جایگاه محوری شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری به این معناست که این نهادها به عنوان نمایندگان دولت محلی و رابط بین شهروندان و دولت مرکزی، مسئولیت‌های متعددی را در زمینه برنامه‌ریزی، تأمین خدمات عمومی، و مدیریت منابع شهری بر عهده دارند. این مسئولیت‌ها شامل مدیریت پسماند، حمل و نقل، تأمین آب و برق، و ایجاد فضاهای عمومی است که همگی به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. این مقاله به بررسی مدل‌های مدیریت شهری و نقش محوری شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری می‌پردازد و به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه می‌پردازد. هدف این تحقیق شناسایی بهترین شیوه‌ها و مدل‌های مدیریت شهری و ارائه راهکارهایی برای بهبود عملکرد شهرداری‌ها در راستای توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی در شهرها است. با توجه به تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و محیطی، بررسی دقیق و جامع مدل‌های مدیریت شهری و جایگاه شهرداری‌ها در این نظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مدیریت شهری

مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع گردید که در سال ۱۹۷۶ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه‌های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیر متمرکز در چارچوب مدیریت‌های محلی تر با هدف توسعه شهری بوسیله سازمان‌های محلی می‌باشد.

مدیریت شهری بعنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیر ساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی وحدت و یکپارچگی اجتماعی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت و دانش سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نز افراد استفاده‌کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. بر این اساس ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن تأثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید.

هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می‌باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تأکید می‌باشد.

مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدیدناپذیر پیشرفت در استفاده از منابع تجدیدپذیر ظرفیت‌های جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان را در بر می‌گیرد. مدیریت شهری

پایدار به تمامی عرصه های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارتی دیگر شهر پایدار زمانی شکل می گیرد و کارآمدی خود را نشان می دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد. (پرهیز کار، ۱۳۹۰: ۵۳).

در رابطه با مفهوم و کارکرد مدیریت شهری چنین میتوان بیان کرد که مدیریت شهری بیشتر وجه فنی و اجرایی دارد و نسبت به حکومت شهری جو حاکمیتی آن کمتر است و نهادهای مدیریتی شهر بیشتر مجری تصمیمات نهادهای حکومتی هستند که معمولاً در سطح ملی یا محلی مطرح شوند. هر چند رهیافت سنتی و متداول در مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکز زدایی در سطح محلی برنامه ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی برنامه ریزی بخشی میان مدت، نظام بسته و انحصار طلبانه دولتی اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضع موجود با استفاده از راه حل های فن سالارانه استوار بوده اما در مقابل رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکز زدایی در سطح ملی و تمرکزگرایی در سطح محلی نظام باز و کثرت طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل کننده وضع مطلوب عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (طرح تحقیقاتی طراحی نظام مطلوب مدیریت مجموعه های شهری تهران، ۱۳۸۴).

بحث های کلیدی درباره بهترین راه های اداره شهرها طیف وسیعی از موضوعات مختلفی چون مدل حکومت قدرت شهردار نحوه انتخاب شهردار توسط شورا از میان اعضای آن یا خارج از شورا، انتخاب شورا و شهردار در روش های مختلف مستقیم با رای یکپارچه شهروندان با رای مجزای نواحی مختلف شهر و یا به صورت مرکب رای مخفی غیر حزبی تعادل رابطه شورا و شهردار مسئولیت پذیری مدیر شهر و بی طرفی سیاسی را در برمی گیرد. در این میان ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی شهری محسوب می شود.

مدل های مدیریت شهری

هر چند مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه ای با توجه به ساختار اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود تعریف با تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد؛ وظایف کنونی مدیریت شهری صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام های اجتماعی و سیاسی گوناگون تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی خدمات رسانی مدیریت فرهنگ محلی انجام پروژه های عمرانی و غیره نمی شود و جهت دهی فعالیت های شهری و ترسیم چشم انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهمترین وظایف مدیران شهری به شمار می رود (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۴۴).

در میان دسته بندیهای مختلفی که در رابطه با مدل مدیریت شهری ارائه شده است می توان به چهارگونه ساختار اداری و مدل اصلی اشاره کرد که با توجه به تقسیم مسئولیها به شرح ذیل عبارتند از:

۱ - ساختار شورا شهردار ضعیف

۲ - ساختار شورا شهردار قوی

۳ - سیستم کمیونی

۴ - سیستم مدیر - شور (جوادی و همکاران، ۱۴۰۰).

تعریف حکومت محلی و سازمان محلی

حکومت یا دولت به طور کلی به تشکیلات و نهادهایی اطلاق می‌شود که وقتی توسط مردم یک محل (به نام حکومت محلی) یا مردم یک منطقه (به نام حکومت ایالتی) و یا مردم یک کشور (به نام حکومت مرکزی یا فدرال) ایجاد گردید و مردم نمایندگانی را از طرف خود برای نظارت و تصمیم‌گیری در امور آن انتخاب کردند، در هیچ مورد نیازی به کسب اجازه از یک واحد حکومتی دیگر و یا گزارش دادن به واحد حکومتی دیگر نداشته باشد. این روش در کشورهایی که از سیستم عدم تمرکز پیروی می‌کنند، رایج است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۳).

انواع سازمان های محلی

به طور کلی سازمان‌های محلی را دو دسته عمده (شورای شهر و شهرداری برای اداره کردن امور شهرها) و تشکیلات اداری روستایی (برای اداره کردن امور روستاها (میتوان تقسیم نمود. لکن نهادهای دیگر از جمله شوراهای بخش و شهرستان و تشکیلات اداری مرتبط با آنها را نیز می‌توان جزء سازمان‌های محلی محسوب نمود زیرا خدماتی که معمولاً به عهده آنها محول می‌گردد مربوط به سطح وسیعی از تقسیمات اقلیمی کشور نبوده و جنبه محلی دارد.

شهرداری ها

شهرداری‌ها را کاملترین سازمان محلی میتوان محسوب داشت در کشور ما نیز اگر چه شهرداری‌ها شدید تحت کنترل و نظارت حکومت مرکزی و همچنین استانداران و فرمانداران و بخشداران می‌باشند. قسمت قابل ملاحظه‌ای از درآمد آنها توأم با مالیات و حقوق و عوارض گمرکی توسط سازمان‌های دولتی وصول و به آنها تحویل گردد و از کمک‌های بلاعوض عمرانی استفاده می‌کنند. ولی چون اولاً تصویب بسیاری از آنها امور آنها از جمله تصویب بودجه و عوارض وصولی آنها به عهده شورای شهر بوده و ثانیاً حساب درآمد و هزینه هر یک از آنها جداگانه توسط خود آنها نگهداری می‌شود و ثالثاً عهده دار تعداد قابل ملاحظه‌ای از خدمات محلی مورد احتیاج ساکنان شهرهای می‌باشند، لذا می‌توان آنها را در مقایسه با سایر کشورها کاملترین سازمان‌های محلی در ایران دانست (سعیدنیا، ۱۳۹۱: ۲۳).

شورای شهر

سیستم مدیریت شهری در ایران اقتباس از سیستم (شورای شهر - شهردار) است که سیستم خوبی در جهان و از اوایل قرن بیستم ابداع گردیده است و اکنون در بسیاری از کشورهای جهان رایج است. در این سیستم مردم شهر عده‌ای را به نمایندگی شورای شهر انتخاب می‌کنند و سپس شورای مذکور شخص واجد شرایط و متخصصی را به عنوان شهردار استخدام و منصوب نموده، اداره امور شهر را به عهده او واگذار و برنامه فعالیت‌ها و عملیات شهرداری و منابع درآمد و طرز به مصرف رسانیدن آن را تصویب، در پیشرفت کارهای شهرداری نظارت به عمل می‌آورد.

دو سیستم عمده دیگر نیز وجود دارد یکی سیستم "شهردار - شورای شهر". مردم شهر شهردار را جداگانه و اعضای شورای شهر را نیز جداگانه انتخاب می‌نمایند و شهردار ضمناً ریاست شورای شهر را هم دارا می‌باشد و لزوماً دارای تخصص نیست. نوع دیگر سیستم شورایی مطلق است که اعضای شورا هر کدام مسئول قسمتی از کارهای شهرداری بوده ضمناً با یکدیگر جلسات مشورتی دارند و درباره کلیه امور تصمیم‌گیری جمعی دارند (سعیدنیا، ۱۳۹۱: ۲۳).

جایگاه محوری شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری

بدیهی است مدیریت شهری سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزاء رسمی و غیر رسمی مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره هدایت کنترل و توسعه پایدار شهری است (رجب صلاحی، ۱۳۹۵: ۵۵). که از انواع سیستم‌های باز و پیچیده انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود و با عناصر و روابط متنوع و متعددی روبرو است؛ بنابراین مدیریت شهری بایستی تمام نظام شهری اعم از فضای کالبدی فعالیت‌ها روابط و عملکرد آنها را تحت پوشش قرار دهد. این نظام دارای ماهیت سازمانی چند سطحی سیاست گذاری برنامه ریزی و اجراء است. که در هر بخش آن میتوان جایگاه مشارکت شهروندان را ملاحظه کرد.

امروزه مدیریت شهری با ارکان و مؤلفه‌های متعدد در جهت کسب توانایی برای هدایت کنترل و توسعه پایدار شهرهاست. در این ساختار شهرداری دارای جایگاه ویژه‌ای است که مروری تاریخی بر آن ضروری به نظر می‌رسد.

نقش و جایگاه محوری شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری با اتخاذ دو رویکرد مدیریت مشارکتی و رویکرد توسعه نوین مطرح شده است. در رویکرد نخست مدیریت فرآیندی است. که در آن عموم مردم تحت تأثیر ساختارهای تاریخی سیاسی و اجتماعی در فعالیت‌های مدیریت شهری از گردآوری اطلاعات و شناخت وضعیت موجود گرفته تا انتخاب راه حل بهینه و اجرا و ارزیابی آن دخالت دارند.

در رویکرد دوم تغییر نگرش نسبت به بخش دولتی و خصوصی در فرآیند توسعه جامعه مورد تأکید است نگرش توسعه، نوین نقش اصلی دولت را در افزایش توان بخش خصوصی و نهادهای مردمی (غیر رسمی) و نیز ایجاد تسهیلات برای فعالیت گسترده آنها در بخش‌های مختلف جامعه می‌داند. در این زمینه دولت از طریق وضع قوانین و مقررات و ایجاد چارچوب نهادی و مالی لازم برای توانمند سازی بخش خصوصی و نهادهای مردمی، زمینه نوآوری و خلاقیت را فراهم می‌آورد (اردشیری، ۱۳۸۹: ۴۵). بر اساس تجربه تاریخی و ماهیت کار شهرداری‌ها شهرداری همانند یک شرکت یا سازمان تعاونی است که مردم یک شهر عموماً سهامداران قهری آن هستند. در واقع سهامداران از میان خود عده‌ای را به عنوان نماینده در شورای شهر همانند هیأت مدیره شرکت تعاونی انتخاب می‌کنند و اداره امور شهر را به آنها میسپارند. از آنجا که نمایندگان مذکور اطلاعات لازم و کافی را برای اداره شهر و درک مسائل پیچیده آن ندارند و فقط به علت اینکه طرف اعتماد مردم شهر بوده انتخاب شده‌اند بنابر این شخصی را که صلاحیت علمی عملی و اخلاقی کافی برای مدیریت شهر داشته باشد به عنوان شهردار انتخاب و اداره امور شهر را به عهده او می‌گذارند و خود بر کار او نظارت می‌کنند. در واقع مردم شهر دارای یک سلسله نیازهای مشترکی هستند که به تنهایی قادر به تأمین آنها نیستند و اگر هم قادر باشند که بعضی از آنها را به صورت انفرادی و بدون مشارکت دیگران تأمین نمایند حداقل اشکال آن سنگینی هزینه‌ها است که از عهده‌ی هر کسی ساخته نیست و حتی ممکن است مرغوبیت و مطلوبیت کافی نیز نداشته باشد؛ بنابراین برای اینکه مردم قادر باشند کلیه این مزایا را با هزینه کم برای خود فراهم سازند اقدام به تشکیل سازمانی به نام شهرداری می‌نمایند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۷).

شهرداری‌ها را میتوان نوع کاملی از سازمان‌های محلی دانست که هسته مرکزی مدیریت شهری را تشکیل داده و وظیفه هدایت نظارت و جلب مشارکت سایر عوامل مؤثر بر مدیریت شهری را بر عهده دارند. در یک بررسی عمیق تر ملاحظه می‌شود که نوع سیستم مدیریت شهری در دنیا به نظام حاکمیت شهری آنها بستگی دارد بر این اساس با توجه جایگاه شهرداری‌ها در نظام مدیریت شهری می‌توان سه نوع نظام مدیریت شهری در جهان را تشخیص داد که کشورها برای اداره امور شهرهای خود برگزیده‌اند:

- ۱- نظام غیر متمرکز در سیستم های فدرالی نظیر کشورهای ایالات متحده، آلمان و هند.
 - ۲- نظام غیر متمرکز در سیستم های متمرکز یا بریتانیایی نظیر کشورهای اسکندیناوی انگلیس، استرالیا، کانادا و ژاپن نظام نظارت فرانسوی با سیستم ناپلئونی فرانسه در بخش وسیعی از جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه آسیایی و آمریکای لاتین. نظام مدیریت شهری مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می کنند.
- یک بعد مسأله تصمیمات قوانین و سیاست های شهرداری و بعد دیگر انتظارات و خواسته ها و نهایتاً حمایت و مشارکت فعالانه شهروندان است از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، کارشناسان مدیریت شهری متوجه این موضوع شدند که طرح ها و برنامه های شهری تنها زمانی موفقیت آمیز خواهند بود که متناسب با نیازها و خواسته های اقشار طبقات و خرده فرهنگ های گوناگون و متنوع جامع دین و تبیین گردند. نتایج تحقیقات وسیع و گسترده جامعه شناختی دال بر این امر است که برنامه ریزی های شهری تمرکز گرا دیگر قادر به حل مسائل پیچیده تر و گسترده تر کلان شهرها نیستند. بر این مبنا شاهد گرایش هر چه بیشتر مدیریت شهری و اندیشمندان جامعه شناسی شهری به برنامه ریزی محلی مشارکتی و از پایین به بالا در قیاس با نوع سنتی برنامه ریزی دستوری و از بالا به پایین هستیم. تمرکز زدایی و محله گرایی در واقع واگذاری امور محله ای به مردم همان محله است. ایجاد واحدهای محله ای موجب ارتقا و کارآمدی نظام مدیریت شهری و تسهیل در اداره امور شهر و صرفه جویی های وسیع اقتصادی در دراز مدت خواهد شد. اگر باب مشارکت فعال بسته باشد و شهروند به شهرنشین تنزل پیدا کند نه تنها شاهد رشد و تعالی شخصیت مردم بسط و استخراج توانایی های افراد تقویت هویت شهری و احساس تعلق به شهر تقویت حس اعتماد و همکاری میان اهالی شهر و شهرداری ها نیستیم بلکه دارای کمترین میزان کار کرد و بهره وری در نظام مدیریت شهری نیز خواهیم بود. مشارکت شهروندان در جامعه شهری حامل نتایج بس گرانبها و متقابلی برای حکومت محلی و شهروندان خواهد بود. رویارویی با مسائل و مشکلاتی که ابر شهرهای جهان با آن دست به گریبان هستند مانند انفجار جمعیت حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی نابسامانی وضعیت ترافیک آلودگی محیط زیست سیل مهاجران روستایی به شهر و مسائل بسیار دیگر که با تسریع فرآیند شهر نشینی رشد سریع ارتباطات اطلاعات و فن آوری جهانی شدن اقتصاد و بازارهای کار و سرمایه و..... دائماً در حال گسترش و پیچیدگی بیشتر هستند تنها با بهره گیری درست و بهینه از توان ها، استعدادها و ظرفیت های بالقوه و وسیع موجود در شهروندان و منابع شهری در حوزه های گوناگون و در قالب طرح ها و برنامه های مشارکتی قابل حل هستند. تجارب دهه های اخیر بسیاری از کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه در ساماندهی مدیریت شهری حاکی از آن است که با پرداختن به توسعه پایدار شهر در سطوح خرد و کلان و از منظر جامعه شناختی، الگوی مناسب برای برون رفت از این چالش ها همانا الگوی مدیریت درونزای محله ای است. در این الگو درباره کوچک ترین و همگون ترین واحد شهر یعنی محله، بررسی سیاستگذاری مدیریت و برنامه ریزی انجام می شود. در این دیدگاه کوچک ترین و همگن ترین واحد شهر یعنی محله مبنا قرار می گیرد. امتداد منطقی این نگاه منجر به شکل گیری مدیریت از پایین به بالا و توأمان با مشارکت فعال شهروندان توسعه منابع انسانی تمرکز زدایی، ایجاد ظرفیت های نهادی تعاملات، اصولی تقویت اجتماعات محلی و نهایتاً ارتقای میزان مشارکت شعور و آگاهی جمعی شهروندان خواهد شد. مشارکت شهروندان در جامعه شهری حامل پیامدهای مثبت و دو طرفه برای شهروندان و دولتهای محلی و شهری است؛ از جمله بسط توانایی های افراد حل مشکلات شهری از طریق مشارکت تقویت احساس اطمینان و اعتماد بین شهروندان و شهرداری ها و نهایتاً شکل گیری و تقویت هویت شهری و احساس تعلق به شهر در تهران قدیم محله های شهر نقش عمده ای در سامان بخشی و سازماندهی امور شهری ایفا می کردند. هر محله ویژگی های خاص خودش را داشت و به آن ویژگی ها شاخص بود هر محله تهران تقریباً دارای کارکردهای

خاص خود بود و به گونه ای به ارائه خدمات و تولید کالاهای مختص به خود می پرداخت. به این ترتیب بود که اهالی محله در نوعی احساس تعلق و هویت محله ای مشترک بودند؛ به نحوی که هر شهروند بیشتر به نام محله ای که در آن ساکن بود شناخته می شد. البته با ورود به دوران گذار و تحولات سریع آن این حالت نیز به مرور از دست رفت و مناسبات مزبور به هم ریخت. در گذشته مردم در اکثر مسائل مربوط به محله همانند آبادانی محله ایجاد امنیت در محله دستگیری از مستمندان و... مشارکت داشتند ولی رفته رفته این نقش مردم کم رنگ شد. شهروندان با شهر بیگانه شدند و محله ها هویت خاص خودشان را از دست دادند. در چنین وضعی شهروندان خود را منفعل و جدا از محله و شهر احساس می کنند و شهرداری ها موظف به اداره امور شهر به تنهایی و خالی از مشارکت مردم می شوند و نهایتاً محلات و شهر وضع ناپایدار پیدا می کنند انتظارات و توقعات مردم روز به روز از شهرداری بالاتر رفته و شهرداری نیز از مردم سلب مسئولیت می کند. نتیجتاً هر چه مشکلات شهرداری بیشتر می شود انتظارات و توقعات یک طرفه مردم نیز افزایش خواهد یافت و به این ترتیب شهرداری از شهروندان جدا خواهد افتاد و سوء ظن و بدگمانی جای احساس محبت و یکدلی را خواهد گرفت مشارکت شهروندان نقش محوری در پایداری محلات شهری دارد و البته این مشارکت پایان و حد و سقفی ندارد و می تواند روز به روز در یک جامعه تعمیق یابد. سطوح مختلف مشارکت شهروندی را به صورت زیر می توان دسته بندی کرد:

۱- عدم مشارکت

۲- مساوات طلبی نمایشی

۳- قدرت شهروندی.

اما سؤال اینجاست که مردم چه زمانی بیشتر مشارکت خواهند کرد؟ هر چه شهرداری ها زمینه را برای حضور مؤثر و مشارکت فعال مردم آماده تر کنند و حقوق شهروندی آنان را بیشتر رعایت کنند. آنگاه مردم نیز متقابلاً احساس تعلق بیشتری به شهر نشان خواهند داد. مردم زمانی تمایل به مشارکت فعال خواهند داشت که دارای حقوق شهروندی و قدرت عمل کافی و وافی باشند. در این صورت است که آنان نیز به طور فعال به وظایف خود که همان رعایت قانون، ضوابط و مقررات است اهتمام خواهند ورزید و در چارچوب حقوق و وظایف خود مشارکت خواهند کرد.

پس مشارکت معلول است نه علت از جمله عوامل مؤثر در میزان مشارکت شهروندان، گسترش ارتباطات شهروندی و افزایش آگاهی های عمومی به ویژه در حوزه شهروندی است که با موضوع آموزش شهروندی ارتباط تنگاتنگی دارد برای حرکت به سوی شهری شهروندمدار و نه زورمدار نظام مدیریت شهری معتبر استقرار مردم سالاری و خواست مردم تمرکز زدایی و محله گرایی در قالب انواع سازمان ها و تشکلهای و تحقق فرهنگ شهروندی اجتناب ناپذیر است. مشارکت های مردمی هنگامی می تواند در فرایند توسعه پایدار مؤثر و کارا باشد که به صورت هدفدار آگاهانه و داوطلبانه در قالب همین سازمان ها و تشکلهای دولتی و غیر دولتی تعیین پیدا کند. مشارکت اشکال متنوع و مختلفی دارد که انجمن های شورایی در محلات محوری ترین نوع مشارکت در اداره امور شهرها محسوب می شوند (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۸۸).

منابع و مآخذ

۱. اردشیری، مهیار. (۱۳۷۹). توسعه پایدار در مدیریت شهری. مدیریت شهری، ۱ (۳).
۲. پور احمد؛ احمد، پور احمد؛ عطیه (۱۳۹۳) ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام. مجله شهر پایدار، دوره اول، شماره ۱.
۳. تقوایی، مسعود و رجب صلاحی، حسین و شفیعی، مرجان (۱۴۰۱) تحلیلی بر راهبردهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دوره ۲۰، شماره ۱.
۴. جوادی؛ سعیده، امیرخانی؛ امیرحسین (۱۴۰۰) بررسی عوامل موثر در توسعه شهری بر مدیریت شهری، مورد مطالعه: شهرداری قیامدشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
۵. سعیدنیا، احمد (۱۳۹۱) کتاب سبز شهرداری: مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
۶. هاشمی؛ سیدمناف، طاهرخانی؛ حبیب اله، سعیدی رضوانی؛ هادی، بصیرت؛ میثم (۱۳۹۰) الگوی تدوین برنامه میان مدت شهرداری ها در ایران؛ نمونه تهران.
۷. پرهیزکار، اکبر، و فیروزیخت، علی. (۱۳۹۰). چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تاکید بر توسعه پایدار شهری. جغرافیایی سرزمین، ۸ (۳۲)، ۴۳-۶۶.